

سودای تو

خاطری نیست که آشفته ی بالای تو نیست
در سری نیست که اندیشه ی سودای تو نیست
نرگس مست که مشهور به هر کوی و دری است
در خماری به مثل نرگس شهلا ی تو نیست
بلبل نغمه زن گلشن دلسوختگان
رو ترش کرده به گل جز به تمنای تو نیست
سرو آزاد که وارسته زهر وسوسه ایست
پیش خاک قدمت جز به تولای تو نیست
هر گلی در چمن حسن غروری دارد
نیست حسنی که در آن صورت زیبای تو نیست
نازنین مهر سکوت از لب لعلت بردار
همدم سینه ی ما جز لب گویای تو نیست
مست مستیم از آن باده ی چشم سیهت
نشئه ی عشق به جز در دل مینای تو نیست
گر چه کندوی سخن مخزن دُرّ و گوهر است
هیچ دُرّ و گهری لایق بالای تو نیست

رضا شاپوریان

جمعه چهارم فوریه ۲۰۰۰